

گزارش

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم: **حوزه علمیه وام‌دار آیت‌الله جوادی‌آملی است**



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم که در تاریخ چهارم اسفند ۱۴۰۳ برگزار شده بود، صبح روز دوشنبه در محل برگزاری این همایش در قم منتشر شد. رهبر انقلاب در این دیدار، با تجلیل از شخصیت ممتاز آیت‌الله جوادی‌آملی، مفسر بزرگ قرآن کریم و صاحب تفسیر تسنیم، حوزه علمیه را وام‌دار مجاهدت این عالم فرزانه در ممارست بیش از ۴۰ساله برای تحقیق و تدریس و تألیف تفسیر تسنیم دانستند و افزودند: البته فعالیت‌های آیت‌الله جوادی‌آملی در زمینه علوم عقلی و نقلی و کارهای فقهی، فلسفی و عرفانی ایشان همگی مهم و درخور تقدیر است اما هیچ‌کدام قابل مقایسه با کار تفسیر قرآن ایشان نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تفسیر تسنیم را مایه افتخار شیعه و حوزه علمیه خواندند و در بیان برخی خصوصیات این تفسیر گفتند: قوت تفکر عقلانی مفسر محترم، کمک زیادی به فهم نکات لطیف و ظریف نهفته در آیات قرآن کرده است. همچنین این تفسیر مشابه تفسیر المیزان اما به‌روزتر و با گستردگی بیشتر، سرشار از مطالب دانستنی و قابل استفاده و در واقع یک دانه‌المعارف جامع است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تنظیم و نگارش فهرستی فنی و موضوعی برای استفاده بهینه از محتوای این تفسیر مرجع را ضروری دانستند.

ایشان با ابراز تأسف از کم‌توجهی به مقوله تفسیر در حوزه‌های علمیه، یاد علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان به عنوان بنیان‌گذار توجه به تفسیر و مفاهیم قرآنی در حوزه علمیه را گرامی داشتند و خاطرنشان کردند: برگزاری حدود ۲۰۰ درس تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم، مژده و خبر خوبی است که باید این رویکرد را تقویت و پایدار کرد.

رهبر انقلاب، تکمیل ترجمه عربی تفسیر تسنیم برای استفاده از آن در جهان اسلام را ضروری خواندند و از آیت‌الله جوادی‌آملی و گروه محققان این تفسیر تشکر و قدردانی کردند.

در ابتدای این دیدار، آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور، گزارشی از برگزاری همایش تفسیر تسنیم و ویژگی‌ها و رویکردهای ممتاز این تفسیر از جمله رویکرد موضوعی و تقریبی و نگاه روز آن ارائه کرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین سعید جوادی‌آملی، رئیس مؤسسه «اسراء»، نیز در این دیدار درباره شیوه نگارش و تنظیم تفسیر تسنیم و گروه‌های تحقیقی و پژوهشی که در این زمینه همراه بوده‌اند، گزارشی بیان و سلام آیت‌الله جوادی‌آملی به رهبر انقلاب اسلامی را ابلاغ کرد.

تفسیر تسنیم، تألیف حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی است که در ۸۰ جلد گردآوری و نوشته شده است. تألیف این تفسیر نتیجه ۴۰ سال تدریس و تحقیق آیت‌الله جوادی‌آملی و همکاری ده‌ها محقق و پژوهشگر در قالب گروه‌های پژوهشی است که در شمار «تفاسیر قرآن به قرآن» جای دارد. روش مؤلف، ذکر آیه یا آیات مورد نظر و بررسی آنها طی چهار مرحله است: «گزیده تفسیر»، «تفسیر آیه»، «لطایف و اشارات» و «بحث روایی» بوده است.

«شرق» از تشیح در مراسم بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی گزارش می‌دهد

فلسفه مبهم یک نشست

شرق: به فراخور روز جهانی زبان مادری، در محل بنیاد ایران‌شناسی استان آذربایجان شرقی نشست‌ی برگزار شد که در پایان حاشیه‌هایی داشت. با اینکه نشست مزبور، نشست‌ی رسمی در نهادی دولتی بود، اما به گزارش خبرنگار «شرق»، سخنرانان رسمی دعوت‌شده در کمال شگفتی به زبان رسمی کشور سخن نگفتند، بلکه تماما به ترکی آذری و باکوئی سخن گفته و از واژگان بسیار ناشناس و غیرعنائوس ترکی استفاده کردند. چنان‌که تعدادی از حاضران پس از ناامیدشدن از فهم مباحث و مطالب مطرح‌شده، محل بنیاد را ترک کردند. در بخش گفت‌وگوی آزاد، چون یک نفر از حاضران نقادانه، با خوانش مصرع «به نام خداوند جان و خرد» و به زبان فارسی شروع به سخنرانی کرد، گفت: «از اینکه در یک نشست رسمی در یک نهاد دولتی به زبان رسمی کشور سخن گفته نشد متأسفم». در همان هنگام، چند نفر از افرادی که در جلسه حاضر شده بودند، با فریادهایی به زبان ترکی، تلاش کردند سخنانش را قطع کنند و فقط پس از چند ثانیه، تعدادی از افراطی‌ها به او حمله‌ور شده، او را مورد جرح قرار داده و کاغذ متن سخنرانی او را پاره کردند. با مقاومت سخنران در برابر آنها، فریاد ناسزاهای این چند افراطی به زبان ترکی سالن را فراگرفت.

اکتون، پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

۱. فلسفه حقیقی روز جهانی زبان مادری، دفاع از زبان‌های محلی است یا دفاع از زبان ملی کشورها؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی باید گفت این روز بنابر چیستی حقیقی خود، روز دفاع از زبان ملی کشورهاست و نه دفاع از زبان‌های محلی. اساسا پیشپنداهدندگان این روز به یونسکو، نمایندگان زبان‌های محلی و قومی نبوده‌اند، بلکه این کشور بنگلادش بود که با نزدیک به ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت، در سال ۱۹۹۹ به پاسداشت «زبان ملی بنگالی» چنین پیشنهادی را ارائه کرد و در قطع‌نامه ۵۶/۲۶۲ مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ تصویب شد. نمایندگان کشورهایی هم که این پیشنهاد را پذیرفتند، درواقع به‌شدت از سلطه زبان انگلیسی بر «زبان ملی» خود نگران بودند. بنابراین و بنابر تعریف «ملت» در مفاهیم سیاسی، دفاع باید از زبان ملی کشورها باشد و نه زبان‌های محلی. ۲. سؤال مهم دیگری که مطرح می‌شود، ناظر بر این است که چرا در نشست‌ی رسمی در نهادی دولتی، نزدیک به ۹۵ درصد سخنرانان به زبان رسمی کشور سخن نگفتند؟ در پیوست پرسش مذکور، این سؤال نیز مطرح می‌شود که با توجه به ماهیت این نشست که کمترین ارتباطی به ماهیت حقیقی روز جهانی زبان مادری نداشت، چه لزوم و ضرورتی برای برگزاری آن بود؟ این رخدادها درحالی است که بی‌توجهی به فلسفه حقیقی این روز، آن را تبدیل به دستمایه برخی از جریان‌های مغرض می‌کند تا به دشمنی با زبان فارسی برخاسته و به همبستگی ملی ایرانیان آسیب بزنند. بدون شک کارنامه درخشان ریاست بنیاد ایران‌شناسی آذربایجان شرقی، محمد طاهری خسروشاهی که همواره مسئولانه و فروتنانه برای اعتلای نام و پرچم مقدس ایران کوشیده است، با این استثنای تلخ، چرکین نخواهد شد. قطعا یکایک فرهیختگان با چشمانی خطاپوش به ایشان می‌نگرند؛ چراکه محمد طاهری خسروشاهی با توان بالای مدیریتی و اخلاق‌مداری خود، بنیاد ایران‌شناسی را به یکی از سودمندترین، پاک‌ترین و پویاترین مراکز فرهنگی استان تبدیل کرده است.

✚ جناب آقای کریمی، بعد از انتصاب دکتر ظریف در ابتدای دولت چهاردهم توسط دکتر پزشکیان به معاون ریاست‌جمهوری و بالاگرفتن حرف و حدیث‌ها در فضای رسانه‌ای، مخالفان دکتر ظریف با استناد به این قانون، خواهان قطع همکاری دکتر ظریف با دولت شدند و در نیمه دوم تیرماه شما به عنوان حقوق‌دان و یکی از کسانی که به رئیس‌جمهور نزدیک بودید و در تیم ستادی ایشان فعالیت داشتید، متنی را خطاب به آقای پزشکیان منتشر کردید و در این زمینه توضیحاتی ارائه دادید. استدلال و برداشت حقوقی شما از این قانون چیست و آیا به نظر شما قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس شامل دکتر ظریف می‌شود؟

با توجه به اینکه تابعیت فرزندان ایشان قهری و غیرارادی بوده است، این ممنوعیت شامل دکتر ظریف نمی‌شود.

✚ با توجه به اینکه قانون تفاوتی بین تابعیت قهری و تابعیت اکتسابی قائل نشده و شما نیز در یاداشت مذکور عنوان کردید، چه استدلال حقوقی برای توجیه این نظر خود دارید؟

در یاداشت مورد اشاره، من با توجه به روح قانون و به منظور اینکه مضرات قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس بر منافع آن برای کشور غالب نشود، نظریه حقوقی خود را بیان کردم و درخواستم این بود که تفسیر مضیق از مقررات آن در دستور کار قرار گیرد. به طور خاص، بند الف ماده ۲ قانون در بخشی را که ناظر بر محرومیت والدین بابت وصف دوتابعیتی فرزندانشان است، باید به نحوی تفسیر کرد که با اصول مسلم حقوقی و اراده قانون‌گذار در تعارض نباشد. بنابراین، استناد به اطلاق این بند در رابطه با تابعیت مضاعف و شمول آن بر فرزندان‌ی که تابعیت مضاعف غیراکتسابی و غیرارادی دارند، محمل حقوقی ندارد و اطلاق چنین بندی به علت عدم اجتماع مقدمات حکمت و وجود قدر متیقن در مقام مخاطب، حجیت ندارد و با فقدان حجیت، باید این عبارت را بر قدر متیقن که همانا تابعیت مضاعف اکتسابی و ارادی است، حمل کرد و این کشور را از سرمایه‌های انسانی مؤثر خود محروم نکرد. از آن گذشته، چنانچه از ظاهر قانون بتوان حکم عام برداشت کرد، تخصیص لبی وجود دارد که تابعیت قهری را از ذیل عموم حکم خارج می‌کند.

✚ آقای خادمی، اخیرا در فضای عمومی و رسانه‌ای جریان‌های رقیب دولت، درباره این انتصاب جنجال‌هایی علیه دکتر پزشکیان ایجاد شده است. هدف از قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس چه بوده است که این چنین محل مناقشه شده؟

متن اولیه قانون با هدف ایجاد محدودیت برای تصدی بعضی از پست‌های مهم تهیه شده است، ولی به نظر می‌رسد در ادامه با اهداف شخصی و اغراض سیاسی سعی در ایجاد ممنوعیت برای برخی از افراد خاص، بعضی از بندها به آن اضافه شده است. در ماده ۲ که شرایط موجود ممنوعیت برای تصدی بعضی از مشاغل را در ۱۱ بند بیان کرده است، به‌صراحت بیان شده که هرکس مشمول یکی از این موارد باشد، امکان تصدی آن مشاغل معین را ندارد. حال در ماده یک بیان می‌شود درصورتی‌که برخلاف استعلام صورت‌گرفته در مورد تعدادی از بندها یا بدون استعلام، انتصابی صورت بگیرد، انتصاب مذکور نادرست است. یعنی کسانی را که مشمول بندهای «پ»، «ج» و «د» هستند، تابع چنین حکمی نکرده است. درصورتی‌که در مقایسه با بندهایی که مشمول این حکم شدند، مشمولین سه بند «پ»، «ج» و «د» بعضا می‌توانند خطر سنگین‌تری برای نظام و کشور داشته باشند. بنابراین به همین دلیل فکر می‌کنم بعد از تهیه متن اولیه، بند اول و احتمالا چند بند دیگر به آن اضافه شده، اما به بندهای قبلی مندرج در ماده توجهی نشده است. بر همین اساس، این شائبه قوت پیدا می‌کند که برخی با اغراض شخصی و سیاسی سعی در تهیه قانونی داشته‌اند که اهدافش تأمین منافع ملی نیست،



عکس: احسان قلیچ‌بی‌نور

تیم حقوقی رئیس‌جمهوری در گفت‌وگو با «شرق» از ایرادهای قانون به‌کارگیری افراد در مشاغل حساس می‌گویند

قانونی برای حذف؟

وحیده کریمی: قانون به‌کارگیری افراد در مشاغل حساس، بهانه‌ای شده در دست جریان رادیکال برای حمله به دولت چهاردهم. در این میان، چه کسی بهتر از محمد جواد ظریف که با او کینه‌ای قدیمی دارند و قانونی که در دولت سیزدهم متروک و بلااستفاده بود، امروز عزیزکرده جریان رادیکال شده است. حملات به معاون راهبردی رئیس‌جمهور از چند جهت مهم است: اول اینکه با حذف ظریف، گامی بزرگ در تخریب دولت چهاردهم خواهند برداشت و متعاقب آن تفکری را حذف خواهند کرد که در موفقیت مسعود پزشکیان در انتخابات سهمی بسزا داشته است. بنابراین، بیش از آنکه دغدغه اجرای قانون آن‌هم با تفسیری نه‌چندان جامع در میان باشد، شاهد غرض‌ورزی با چاشنی تسویه‌حساب سیاسی هستیم. اینکه این قانون در مرحله اجرا در دولت قبل هرگز نتوانست به‌درستی خودنمایی کند، خود یک بحث است، اما اینکه در مرحله اصلاح و رفع ایرادات اساسی همچنان مرجع رادیکال‌هاست و خواهان استعفای ظریف هستند، بحثی دیگر است که حتی با را از حملات پشت برخی تریبون‌های رسمی و غیررسمی فراتر گذشته و از تهدید و شکایت علیه مسعود پزشکیان سخن گفته‌اند. گپ‌وگفت «شرق» در این زمینه را با دکتر عباس کریمی، حقوق‌دان و استادتمام رشته حقوق دانشگاه تهران و دکتر مسعود خادمی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری که هر دو از وکلای رئیس‌جمهور چهاردهم هستند، می‌خوانید.

✚ جناب آقای کریمی، بعد از انتصاب دکتر ظریف در ابتدای دولت چهاردهم توسط دکتر پزشکیان به معاون ریاست‌جمهوری و بالاگرفتن حرف و حدیث‌ها در فضای رسانه‌ای، مخالفان دکتر ظریف با استناد به این قانون، خواهان قطع همکاری دکتر ظریف با دولت شدند و در نیمه دوم تیرماه شما به عنوان حقوق‌دان و یکی از کسانی که به رئیس‌جمهور نزدیک بودید و در تیم ستادی ایشان فعالیت داشتید، متنی را خطاب به آقای پزشکیان منتشر کردید و در این زمینه توضیحاتی ارائه دادید. استدلال و برداشت حقوقی شما از این قانون چیست و آیا به نظر شما قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس شامل دکتر ظریف می‌شود؟

با توجه به اینکه تابعیت فرزندان ایشان قهری و غیرارادی بوده است، این ممنوعیت شامل دکتر ظریف نمی‌شود.

✚ با توجه به اینکه قانون تفاوتی بین تابعیت قهری و تابعیت اکتسابی قائل نشده و شما نیز در یاداشت مذکور عنوان کردید، چه استدلال حقوقی برای توجیه این نظر خود دارید؟

در باره فلسفه وضع قانون، سخن بسیار است و اینکه آیا این قانون مفید است یا نه، بحث‌های زیادی مطرح است، اما به هر حال چون الان قانون است، تا زمانی که نسخ یا اصلاح نشده، باید اجرا شود. ولی حداقل باید بدانیم که در شرایط فعلی که دولت واقعا درگیر مشکلات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است، مشکلاتی عدیده که حاصل سال‌ها روش‌های نامطلوب مدیریت در کشور است و دولت دکتر پزشکیان وارث آن بوده و باید به عنوان وارث دولت‌های قبل این مشکلات را حل کند، توقع می‌رود که در اجرای قانون، تفسیر موسع صورت نگیرد؛ به‌ویژه در بخش کفیری که تابع تفسیر مضیق است، از تفسیر موسع پرهیز شود. حتی اگر بخواهد تفسیر موسع صورت بگیرد، به نظر ما اطلاق قانون شامل تابعیت قهری نمی‌شود و تابعیت قهری خصوصا از ذیل عنوان قانون خارج است.

✚ در اینجا بد نیست جناب آقای خادمی برای خوانندگان «شرق» توضیح دهید این قانون تا چه میزان با اصول قانون‌نویسی مطابقت دارد و آیا انتصاب دکتر ظریف برخلاف قانون است؟

یک بحث این است که وضعیت قانون چگونه است و از نظر اصول قانون‌نویسی آیا معیارهای یک قانون را دارد و بحث بعدی این است که آیا دکتر ظریف مشمول ممنوعیت مندرج در قانون هست یا خیر.

ما از قانون انتظار داریم در جهت منافع و مصالح عمومی عمل کرده و در تنظیم و تعادل‌بخشی به رفتارهای جامعه به سمت وضعیت مطلوب کمک کند. اصولا کارکرد قانون همین است و اگر یک متن برخلاف اهداف و کارکرد واقعی خود باشد، دیگر نباید به صورت ماهوی و اصولی آن را قانون دانست، هرچند ظاهرا و به صورت شکلی قانون است. زمانی که قانون با اهداف گروهی و شخصی تنظیم شود، دیگر قانون نیست، بلکه یک ابزار برای تحمیل اراده بایان آن بر جامعه است.

درباره انتصاب دکتر ظریف، اعتقاد داریم بند یک ماده ۲ شامل تابعیت قهری نمی‌شود؛ به‌ویژه اینکه اگر تابعیت مذکور به علت خدمت به همین ساختار و نظام به صورت غیرارادی بر کسی تحمیل شود. این تفسیر مطابق اصول عقلی و کفیری نیز هست. به هر حال محدودیت نوعی مجازات است و تحمیل مجازات بر اعمال غیرارادی، هم غیرعقلی است و هم قبیح. از نظر اصول کفیری، نمی‌توانیم الان برای وضعیتی که حدود ۴۰ سال پیش ایجاد شده، محدودیت ایجاد کنیم که به دلالت عقلی این قید تابعیت مضاعف، شامل تابعیت مضاعف قهری نمی‌شود.

✚ جناب خادمی، برخی ادعا می‌کنند چون دکتر ظریف وزیرای سیاسی داشته مشمول قانون تابعیت قهری نمی‌شده یا می‌توانسته گذرنامه را بگیرد یا مثلا الان با یک درخواست از تابعیت آمریکا خارج شود. این گفته‌ها چقدر با واقعیت حقوقی تطابق دارد؟

این اظهارات با ناشی از بی‌اطلاعی است یا مغرضانه. تابعیت قهری ناشی از تولد در خاک آمریکا، کاملا مانند تابعیت قهری ناشی از تولد فرزند از پدر ایرانی است که به صورت قهری بر فرزند تحمیل می‌شود و ترک تابعیت نیاز به تایید دولت آمریکا دارد و در صورت عدم پذیرش باید در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت آن شکایت مطرح کرد و پذیرش آن نیاز به تشریفات و مصاحبه‌های دولت آمریکا با شخص متقاضی دارد که با توجه به جایگاه دکتر ظریف، چنین مسیری عملا به صلاح کشور نیست. همه اینها در حالی است که دکتر ظریف تحت‌تحریم‌های آمریکاست و آشکار است که دولت آمریکا به دنبال حذف دکتر ظریف است و با این مسیر موافقت نمی‌کند. در حقیقت، این دوستان عملا همرایستا با حرکت دولت آمریکا و دشمنان و رقیبای منطقه‌ای ایران در حذف دکتر ظریف حرکت می‌کنند.

✚ جناب کریمی، درست است که الان بند ۱ این قانون بیشتر مورد توجه است ولی در بند ۲ اشاره شده است کسانی که به قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی ندارند، نمی‌توانند این مسئولیت‌ها را بگیرند. منظور از اعتقاد چیست؟ اصولا مگر قانون موضوعی اعتقادی است؟

اعتقاد با التزام تفاوت دارد. ممکن است که کسی با محتوای یک قانون یا اصول یا بندهایی از آن مخالف باشد، اما تا زمانی که آن قانون حاکم و معتبر است، تبعیت کند و هم‌زمان برای اصلاح آن تلاش و انتقاد کند. قانون، یک متن مورد توافق اکثریت مرجع تصویب‌کننده در آن زمان بوده است و ممکن است با گذر زمان نقایض آن آشکار شود یا به علت تغییر شرایط، نیاز به اصلاح آن باشد. خود قانون اساسی متضمن سازوکار اصلاح آن است و تعیین روش و تشریفات برای اصلاح قانون اساسی بیان‌کننده این واقعیت است که ممکن است در آینده به هر دلیلی، قانون اساسی اصلاح شود. همچنان که در سال ۱۳۶۸ اصلاح و تغییرات زیادی در آن اعمال شد. ولی طبق این بند، ما همه کسانی را که معتقد به اصلاح بعضی از اصول قانون اساسی هستند، از حوزه مدیران که دایره بسیار وسیعی را شامل می‌شوند، خارج می‌کنیم و اینها کسانی هستند که توان علمی نقد را دارند و در نهایت راه بهبود از طریق اصلاح بعضی از ساختارهایی را که ممکن است بعد از گذشت چند دهه مشکلات‌شان آشکار شده باشد، می‌بندیم و با محدودکردن تفکر، نقد و اصلاح، جامعه را به سمت اقدامات تند منحرف می‌کنیم.

✚ آقای خادمی، با توجه به حجم مقابله بخش تندرو مجلس با انتصاب دکتر ظریف و حملات بی‌امان به دکتر پزشکیان، این اقدامات تا چه اندازه به تضعیف دولت شبیه است و تهدیدات انجام‌گرفته چه عنوانی دارد؟

متأسفانه شاهد هستیم در این مدت، عده‌ای با تجمعات غیرقانونی و طرح اتهامات غیرواقعی اقدام به توهین و تهدید جانی مقامات عالی‌کشوری کردند و عبارات خشونت‌آمیزی مانند «در این جمع نواب‌صفوی‌ها حضور دارند که اقدام می‌کنند» را که مستقیما تهدید رئیس‌جمهور و مقامات مختلف دولت به قتل و ایجاد تشنج در کشور است، بیان کردند. این اظهارات و اقدامات از جرائم عمومی و رفتارهای خلاف شأن نمایندگان مجلس است. امیدوارم مقامات مسئول قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی اقدامات متناسب برای پیگیری و پاسخ‌گودکردن این افراد را انجام دهند.

جایگاه و منصب، برای بعضی افراد، شخصیت ایجاد می‌کند و اگر جایگاه را از آنها بگیرند، هیچ اعتباری در جامعه ندارند و به همین دلیل برای کسب و حفظ جایگاه، همه چیز حتی منافع ملی را فدا می‌کنند. ولی بعضی اشخاص به جایگاه اعتبار می‌بخشند. وزرای خارجه بسیاری داشته‌ایم اما افراد کمی مانند دکتر ظریف مؤثربودن از شخصیت به جایگاه را آشکار کردند. دکتر ظریف به جایگاه معاونت رئیس‌جمهور دلبستگی ندارند و در صورت ضرورت، با طبیب خاطر، از پست کناره‌گیری می‌کند. این مشخصه اخلاقی هرچند از نظر شخصی پسندیده است، اما برای منافع کشور مضر است و با عقب‌نشینی نیروهای توانمند و دلسوز، برای منفعت‌طلبان فرصت فراهم می‌کند که زبان آن برای عموم جامعه است.

متأسفانه نحوه برخورد این گروه‌ها با دکتر ظریف، یادآور تجربه‌های تلخی در تاریخ ایران از گذشته تاکنون است؛ به نحوی که کشور از خدمات بزرگانی مانند امیرکبیر و دکتر محمد مصدق محروم شد و مسیر پیشرفت و ترقی منحرف و سال‌ها کشور دچار عقب‌ماندگی شد. الان باید در کتاب‌های تاریخی با حسرت آن وقایع را مطالعه کنیم. در همین زمان هم شاهدیم هر روز به طریقی به دنبال حذف شخصی مانند دکتر ظریف که دلسوز کشور و نظام است و می‌توان به عنوان یک سرمایه درخصوص صلح و تعاملات منطقه‌ای از ظرفیت ایشان استفاده کرد، از مصدر کار هستند که زبان آن در حقیقت برای ایران جبران‌شدنی نیست.

گزارش خبری

«شرق» از سفر وزیر امور خارجه روسیه به ترکیه و ایران گزارش می‌دهد
هم‌راستاکردن تهران و آنکارا
در راستای منافع مسکو

موسی‌موحّد: در حالی از روز شنبه اخباری دال بر سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در هفته جاری به ایران منتشر شد که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همان روز (شنبه) با تأیید این موضوع، رسما اعلام کرد «لاوروف در روزهای آینده برای دیدار با همتای ایرانی خود و گفت‌وگو درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به تهران سفر خواهد کرد». اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، هم در اظهاراتی عنوان کرد: «این سفر در چارچوب رایزنی‌های مستمر بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه درباره روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی انجام خواهد شد». به گفته او: «لاوروف در این سفر علاوه‌بر دیدار با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، با برخی دیگر از مقامات بلندپایه کشور نیز ملاقات خواهد کرد». در پی انتشار اخباری مبنی بر سفر وزیر خارجه روسیه به ایران، کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه، دیروز دوشنبه در حساب رسمی خود در ایکس نوشت: «سفر وزیر خارجه روسیه به تهران در ادامه مسیر توسعه همکاری‌های نزدیک دو کشور با محوریت تعمیق گفت‌وگوها و رایزنی‌های سطح عالی درباره طیف متنوعی از موضوعات در روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی انجام می‌شود که در برهه کنونی بیش از همیشه ضروری است». او افزود: «عمق روابط تاریخی دو کشور، به‌ویژه پس از امضای اخیر معاهده راهبردی از طرف رؤسای جمهور، مانع از آن است که رویادهای زودگذر ثالث بر مناسبات دیرینه ما اثر بگذارد». سفیر ایران خاطرنشان کرد: «این روابط مستقل از عوامل خارجی و مبتنی بر منافع ملی هر دو کشور در مسیر صلح و توسعه قرار دارد».

حضور در آنکارا پیش از سفر به تهران

در حالی لاوروف عازم تهران است که وزارت خارجه روسیه دیروز (دوشنبه) از دیدار هاگان فیدان و سرگئی لاوروف در آنکارا خبر داد. وزیر خارجه روسیه پس از گفت‌وگوهای قبلی با هاگان فیدان، همتای ترکیه‌ای خود که در آن دو طرف به نتایج رایزنی‌های اخیر آمریکا و روسیه، روند صلح اوکراین و وضعیت سوریه پرداختند، وارد آنکارا شد. به نقل از خبرگزاری رایانوستی، این مذاکرات در حالی برگزار شد که موضوع ترکیه به عنوان میزبان احتمالی برای نشست عالی درباره درگیری اوکراین با حضور مسکو، کیف و واشنگتن مطرح شده است. همچنین این سفر در میانه تلاش‌های مسکو برای مذاکره با دولت جدید سوریه انجام شده است. هاگان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در نشست مطبوعاتی با سرگئی لاوروف، همتای روس خود، در آنکارا عنوان کرد: «ضمانت‌های امنیتی موضوعی است که از نزدیک دنبال می‌کنیم. ترکیه از نظر اصولی برای کمک به برقراری صلح بین اوکراین و روسیه آماده است». فیدان تصریح کرد: «ما به ابتکار جدید آمریکا (دربار روسیه – اوکراین) به عنوان یک رویکرد نتیجه‌گرا اهمیت زیادی قائل هستیم». وزیر امور خارجه ترکیه درباره تحولات سوریه تأکید داشت که درباره جلوگیری از تحرکات جدایی‌طلبانه در سوریه دیدگاه‌های مشابهی (با روسیه) داریم. این گفته‌ها نشان می‌دهد که ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو امیدوار است نقش مهمی در پایان‌دادن به درگیری بین «مسکو» و «کی‌یف» ایفا کند، همان‌گونه‌که در مارس ۲۰۲۲ تلاش کرد دو بار میزبان مذاکرات مستقیم بین مسکو و کیف باشد. سفر وزیر امور خارجه روسیه به آنکار در حالی انجام می‌شود که «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، در جریان دیدار روز سه‌شنبه خود با «ولودیمیر زلنسکی»، همتای اوکراینی خود، بار دیگر تأکید کرد که آنکارا میزبان مناسبی برای مذاکرات جنگ اوکراین با مشارکت مسکو، کیف و واشنگتن خواهد بود. اگرچه در گزارش روز یکشنبه «شرق» به جنبه‌هایی از ماموریت لاوروف در سفر به تهران اشاره شد، اما واکاوی ابعاد دیگر این حضور باید گفت سفرهای وزیر امور خارجه روسیه به ترکیه و ایران در چارچوب تلاش‌های کرملین برای تقویت روابط خود با دو کشور کلیدی در منطقه و بهره‌برداری از ظرفیت‌های آنها در راستای منافع روسیه در بحران‌های مختلف میانی مؤثر در بحران اوکراین عمل می‌دهد و سوی دیگر، ایران و روسیه به عنوان دو متحد نزدیک درباره مسائل منطقه‌ای می‌توانند همکاری‌های خود را در راستای منافع مشترک تقویت کنند.